

تاریخ و تمدن اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۳۹-۶۰

حرفه آهنگری در منابع اسلامی از منظر تاریخ اجتماعی^۱

نگار ذیلابی^۲

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

آهنگری، فرآوری ادوات و ابزارها از آهن، یکی از پرکاربردترین مهارت‌های بشر برای تأمین ادوات و ابزارهای لازم در زندگی روزانه و نیز در فعالیت‌های نظامی و عمرانی بوده است. در این مقاله با بررسی طیف وسیعی از منابع تاریخی، ادبی و اجتماعی، الگوی شغل آهنگری در ساختار جوامع اسلامی و در بستر تاریخی با رویکرد توصیف غلیظ (توصیف پرجزئیات)^۳، بازجسته و استخراج شده است. استخراج الگوی عمومی شغل آهنگری با پژوهش ابعاد پدیداری آهنگری از جمله کارکردهای متنوع، ابزارها و ادوات کار، فضای حرفه‌ای (دکان آهنگری)، اخلاق حرفه‌ای، نظارت و احتساب آهنگران و درآمدهای اصلی و فرعی و پایگاه شغلی و جایگاه اجتماعی آنها صورت گرفته است. بر خلاف تصور، آهنگران با وجود تنوع وسیع در تولیدات و نیاز همه گروه‌های جامعه به محصولاتشان، جزو اصناف پردرآمد نبوده‌اند و اعضای این صنف اغلب از گروه‌های فرودست جامعه به شمار می‌آمده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آهنگر، دکان آهنگری، آهن، مشاغل، اصناف.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۸

۲. رایانامه: n_zeilabi@sbu.ac.ir

3. thick description

مقدمه

در نظام سنتی حرفه‌ها و مشاغل کهن، آهنگران، صنعت‌گرانی بودند که آهن را در کوره تفته و قطعات فلزی را در فرایند چکش‌کاری به ابزارهای گوناگون بدل می‌کردند. در تعریفی امروزی‌تر آهنگری حرفه‌ای است که در آن فرایند ذوب، ریخته‌گری و قالب‌گیری آهن و دیگر آلیاژهای مرتبط به آن و بالا بردن مقاومت آنها از طریق تفتن، فشردن و پتک زدن برای ساخت اشیاء و ابزارآلات فلزی انجام می‌گیرد.

در ادبیات فارسی آهنگری و ابزارهای آن با مفاهیمی چون سرسختی و مقاومت و سنگ‌دلی قرین است.^۴ کلمات دیگری از جمله چلنگر، چلینگر، چلانگر، چیلانگر و چلونگر هم به جای آهنگر به کار رفته است.^۵ از هزاره چهارم قبل از میلاد و با ساختن خیش‌اگا آهن برای شخم زدن زمین‌های کشاورزی در بین‌النهرین به سرعت حرفه آهنگری کاربردی وسیع یافت. در آغاز فلزاتی مثل مس و مفرغ و سپس قلع و سرب و برنج و دیگر آلیاژها در این حرفه به کار گرفته شد.^۶ هدف این نوشتار، تاریخ آهن و آهنگری نیست، بلکه تاریخ اجتماعی این حرفه در جهان اسلام، از منظر کارکردهای متنوع آن، ابزارها و ادوات کار، فضای حرفه‌ای (دکان آهنگری)، اخلاق حرفه‌ای، نظارت و احتساب آهنگران و درآمدهای اصلی و فرعی و پایگاه شغلی و جایگاه اجتماعی آنها بررسی شده است.

روش

در این بررسی، همانند برخی از مقالات مشابه در حوزه تاریخ اجتماعی پیشه‌ها^۷ از رهیافت

۴. دهخدا، ذیل «آهن دل»، «سندان»؛ معین، ذیل «پولادین».

۵. دهخدا، ذیل «چلنگر».

۶. دورانت، ۱/ ۱۴-۱۵.

۷. مثلاً: موسی‌پور، «زندگی حرفه‌ای گازران در تاریخ اجتماعی اسلام»، ۱۲۱-۱۳۹؛ همو، «زندگی حرفه‌ای موزنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان...»، ۱۴۲-۱۶۱.

توصیف غلیظ یا توصیف تفصیلی استفاده شده است. در این رهیافت که با آثار مردم‌شناس بزرگ معاصر، کلیفورد گیرتز،^۹ رایج شده و اکنون علاوه بر مردم‌شناسی در اغلب قلمروهای علوم انسانی از جمله در مطالعات تاریخ اجتماعی، به کار می‌رود، نه فقط خود پدیدار، بلکه زمینه تاریخی و بافتار فرهنگی و اجتماعی آن نیز توضیح داده می‌شود.^۹

توصیف غلیظ در مطالعات تاریخ اجتماعی مشخصاً در دو مرحله صورت می‌گیرد؛ نخست مرحله تحقیق که در آن محقق، مفاهیم یک گروه معین (مثلاً در این اینجا، صنف آهنگران)، و قواعد حاکم بر آن و زبان نمادین آن و به طور کلی هر مجموعه‌ای از داده‌ها و نمادها را که از آن گروه اطلاعی به دست می‌دهند مطالعه می‌کند؛ به عبارت دیگر در این مرحله، عادات و رفتارها، نشانه‌ها و اشاره‌ها، پوشش، خوراک، شیوه‌های کار، آیین‌ها و مراسم و جز اینها که یک گروه را با توجه بر جزئیات و حتی الامکان دقیق، برای محقق آشکار و معنادار می‌سازند، گردآوری، دسته‌بندی و پردازش می‌شود. در این زمینه باید توجه داشت که رهیافت توصیف غلیظ با این تفصیل را نمی‌توان برای گروه‌های بزرگ به کار برد؛ بنابراین باید برای دست یافتن به امکان وصف جامع و تفصیلی، گروه‌های کوچک‌تر و محدودتری را انتخاب و بررسی کرد.

در دومین مرحله از توصیف غلیظ، محقق باید گزارشی جامع از گروه مورد بررسی بنگارد که در آن چونان سنت انسان‌شناسان، تلاش شود که این گروه‌ها از درون خودشان فهمیده شوند؛ زیرا در واقع، هدف از این گزارش، به دست دادن وصفی از کنش‌ها، گرایش‌ها، باورها، قواعد و مفاهیم یک گروه معین است، هم بدان‌گونه که آن گروه خود را می‌فهمیده و هم بدان‌گونه که برای مخاطبان بیرونی قابل فهم باشد.^{۱۰}

8. Clifford Geertz

۹. در این باره نک. فربرن، ۲۸۴، ۲۹۶-۲۹۷.

۱۰. نک. فربرن، همانجاها.

مواد خام در آهنگری

در اوایل دوره اسلامی، شمال شرق ایران به ویژه هرات، خراسان و فرغانه و مناطق وسیعی از ماوراءالنهر از مراکز مهم آهنگری و ساخت ابزارآلات جنگی و قطعات فلزی به شمار می آمدند. حجم تولیدات و گستردگی فعالیت های آهنگری در درجه اول به تأمین مواد خام وابسته بود. در مناطقی که معادن سنگ آهن یافت می شد طبعاً آهنگران بسیاری نیز، به سبب دسترسی آسان به مواد خام، فعال بودند.^{۱۱} واردات آهن از اروپا نیز در ادوار متأخر بسیار رایج بوده است،^{۱۲} اما بخش بزرگی از مواد اولیه آهنگری از طریق بازیافت قطعات مستعمل آهنی تأمین می شده است و دوره گردان با جمع آوری آهن پاره ها/ قراضه ها از خانه ها و دکان ها و کارگاه ها و نیز از نهادهای حکومتی، آنها را به اصناف مختلف آهنگران می فروختند^{۱۳} و طبعاً با رواج استفاده از اتومبیل ها و ماشین آلات جدید، میزان دسترسی به حجم بزرگی از ضایعات آهنی برای آهنگران فراهم می شد^{۱۴} و منبع ارزان تری برای تأمین مواد اولیه در اختیارشان قرار می گرفت. چون بسیاری از محصولات آهنگران باید با فولاد ساخته می شد برخی از آنها شیوه به دست آوردن فولاد از آهن را می آموختند و ظاهراً برخی از این آهنگران در ادوار قدیم، سعی می کردند روش تهیه فولاد را هم چون رازی در خانواده خود نسل به نسل منتقل کنند.^{۱۵}

۱۱. مقدسی، ۳۴۰؛ اصطخری، ۳۳۴؛ ابن حوقل، ۴۸۸/۲؛ ابن بلخی، ۱۲۵؛ قزوینی، ۵۲۰؛ حسن وزان، ۱۶۸/۱-۱۶۹؛ بنا، ۴۷؛ درباره آهن و سابقه کاربرد آن در ایران نک. د. ایرائیکا، ذیل «Āhan»؛ در رساله ای از قرن دهم/ یازدهم چگونگی استحصال شمش های آهن از معادن شرح داده و گفته شده که آهنگران شهرها این شمش ها را می خریدند (نک. «قطعه ای از یک دست نوشته فنی»، محبی، ۳۰۰-۳۰۱).

۱۲. هولتسر، ۵۰: ۴۲. Wulff, 50.

۱۳. شهری باف، ۱۳۸۱، ۳۱۵/۲، ۳۴۳.

14. Wulff, *ibid.*

۱۵. دالمانی، ۵۴۹/۱-۵۵۱.

کارکردها و تنوع فعالیت‌ها

آهنگران در دوره اسلامی از صدر اسلام تا دوره معاصر در تولید انواع ابزارها و وسایل مورد نیاز مردم و حکومت‌ها همواره در سطحی گسترده، طرف مراجعه بوده‌اند.^{۱۶} اغلب آهنگران در ساختن همه یا بخش عمده این ابزارها و اقلام مهارت داشتند؛ با این حال به سبب تقاضای زیاد برای برخی اقلام معین، حوزه‌های تخصصی آهنگری نیز شکل گرفت و شمار بزرگی از اصناف در زیرمجموعه فن آهنگری پدید آمد؛ از جمله، سازندگان سلاح‌های مختلف (کاردگران، شمشیرگران، زره سازان، سازندگان کلاه خود، قبه سپر، و قطعات آهنی ادوات سنگین جنگی مثل منجنیق‌ها)، قیچی سازان، قفل سازان، نعل‌بندان و میخ‌سازان.^{۱۷} بسیاری از مشاغل دیگر نیز برای تأمین ابزارها و تجهیزات مربوط به حرفه خود به تولیدات آهنگران وابسته بودند؛ انواع وسایل کشاورزی هم‌چون بیل و کلنگ و داس،^{۱۸} برخی لوازم و قطعات مورد نیاز در نساجی و قالی‌بافی، آسیاهای بادی و آبی، ابزارهای شکار و صید، قصابی، آرایشگری، سنگ‌تراشی، نجاری، کفاشی، بنایی و ساختمانی، دامداری و سوارکاری و جز آنها نیز در دکان آهنگری تولید می‌شد.^{۱۹} در مناطق ساحلی بسیاری از آهنگران در ساخت لوازم کشتی‌سازی و دریانوردی فعال و متخصص بودند.^{۲۰} گاه صاحبان مشاغل برای تأمین ابزارهای خود به سراغ آهنگرانی می‌رفتند که جزئیات فنی این مشاغل را بشناسند، مثلاً مقنّی‌ها بر حسب کیفیت زمین مورد نظر برای حفر چاه، ویژگی‌های کلنگ خود را برای آهنگر مشخص می‌کردند.^{۲۱} ظروف آهنی و نیز تابه یا ساج‌ها و تنوره‌های دستی

۱۶. جواد علی، ۵۵۵/۷-۵۵۹؛ عمری، ۲۷۱-۲۷۲.

۱۷. حسن وزان، ۱/۲۰۰؛ دالمانی، ۱/۵۴۶-۵۷۰؛ ۲/۵۶۹، ۵۷۶؛ تحویلدار، ۱۰۴-۱۱۰؛ زنگویی، ۶۶؛ جمال، ۱۹۱.

۱۸. دالمانی، ۲/۲۴۸؛ Wulff, 52, 291.

۱۹. حسن وزان، ۱/۲۴۰؛ جواد علی، ۷/۵۵۸-۵۵۹؛ جمال، ۱۸۸؛ شهری‌باف، طهران قدیم، ۲/۳۱۶-۳۱۷.

۲۰. جمال، ۱۸۶، ۱۸۸.

۲۱. کریمی، ۱۶۷.

قابل حمل برای پخت نان^{۲۲} منقل، سیخ، سه پایه، زنجیر، مخزن‌های نگهداری آب یا سوخت، سرقلیان، سوزن، انبر، ترازو، قپان و وزنه را هم آهنگران می‌ساختند.^{۲۳} بسیاری از این ابزارها مصارف خانگی نیز داشتند و از این رو وابستگی به تولیدات آهنگران نیازی عمومی بود. برخی آهنگران علاوه بر مهارت در ساختن این ابزارها، درجوشکاری با مس و برنج با چکش و نیز ساخت اشیای ظریف تزئینی و طلاکوبی و نقره‌کوبی آنها استاد بودند.^{۲۴} از آهنگران در فعالیت‌های امدادی نیز کمک خواسته می‌شد، مثلاً وقتی می‌خواستند طوقی را از گردن انسان یا حیوانی باز کنند یا گردن یا انگشتی را که در حلقه‌ای آهنی گیر کرده، درآورند یا گاه برای در آوردن پیکانی که در بدن انسانی فرو رفته بود، مهارت آهنگران به کار می‌آمد.^{۲۵} در دوران جدید، برخی فعالیت‌های تازه نیز به خدمات و تولیدات آهنگران افزوده شد، مثلاً بسیاری از آهنگرانی که در ساخت یا تعمیر درشکه و گاری مهارت داشتند، به ساخت و تعمیر قطعات اتومبیل‌ها روی آوردند و شماری از آنان به تدریج از آهنگری به مکانیکی تغییر شغل دادند.^{۲۶}

رابطه آهنگران با قیام‌ها و شورش‌ها یا نزاع‌های آنها با اهل بازار که در بسیاری از منابع به آنها اشارت‌ها هست،^{۲۷} گاه با مهارت‌ها و تولیدات آهنگران نیز پیوند داشته است: قیام و شورش به سلاح و ابزارهای ساخت آهنگران نیازمند بود و باز کردن قفل انبارها و زندان‌ها و گسستن زنجیرها کاری بود که لاجرم با حضور آهنگران سهل‌تر می‌شد.^{۲۸} با این حال، آهنگران مطابق اخلاق و آیین‌های خود عمل می‌کردند و برای خود فتوت‌نامه‌هایی داشتند و

۲۲. شاردن، ۱۳۸/۴-۱۴۰؛ شهری‌باف، طهران قدیم، همانجا.

۲۳. تحویلدار، ۹۵، ۱۰۴-۱۱۰؛ شهری‌باف، طهران قدیم، همانجا؛ شهابی، ۴۹۵-۴۹۸.

۲۴. دالمانی، ۵۶۹/۲؛ Wulff, 52.

۲۵. خطیب بغدادی، ۵۸۶/۴؛ ابن جوزی، ۱۶۵/۱۰؛ ذهبی، ۴۷۴/۱۶.

۲۶. شهری‌باف، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ۳۷۵/۱؛ Wulff, 52؛ ۲۴۳.

۲۷. شبانکاره‌ای، ۳۴۷؛ گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، ۴۷۰/۲، ۵۹۷؛ فرخی، ۴۶۶-۴۶۷.

۲۸. فرخی، ۱۳۸۷، ۴۸۰.

خود را به پیرانی از جمله داوود علیه السلام منسوب می‌کردند (و جالب آن که در فتوت‌نامه‌های آهنگران که تاکنون چاپ شده، نامی از کاوه آهنگر نیامده است)، و ابزارهای آهنگری را هدیه‌هایی می‌دانستند که جبرئیل اول بار از بهشت برای حضرت آدم آورده بود.^{۲۹} با وجود انتساب روحیه شورش‌گری به آهنگران، بسیاری از آنها به خدمات دولتی می‌پرداختند و اساساً فعالیت‌های نظامی و انتظامی و عمرانی حکومت‌ها بدون مشارکت آهنگران امکان‌پذیر نبود. آهنگران علاوه بر ساختن غلّ و زنجیر، کار نصب آن را هم انجام می‌دادند؛ گاه بلافاصله پس از دستگیری یک مجرم، او را به دکان آهنگری می‌بردند و آهنگر بر دست و پا و یا گردن او غلّ و زنجیر می‌نهاد و سپس مجرم را به زندان منتقل می‌کردند؛ گاه نیز به همین منظور، آهنگران را به قصرها یا زندان‌ها فرامی‌خواندند؛ در آماده کردن زندانیان برای انتقال به شهرهای دیگر نیز، آهنگران برای گشودن و بستن مجدد غلّ و زنجیر احضار می‌شدند هم‌چنان که آزاد کردن اسیران و زندانیان از قید غلّ و زنجیر با کمک آهنگران امکان‌پذیر بود و گاه غلی را که آهنگری برگردن اسیری می‌نهاد، جز خود او آهنگر دیگری نمی‌توانست گشود.^{۳۰} پرسامد بودن خدمت آهنگران در به بند کشیدن زندانیان چنان بود که در برخی متون، آهنگران را به کنایت، زندانبان (الحدّادون السجّانون) می‌خواندند.^{۳۱} برخی آهنگران نیز در دربار یا در اردوی سپاه خدمت می‌کردند،^{۳۲} از جمله: در ضراب‌خانه‌های سلطنتی آهنگران جزو کارکنان بخش تولید بودند؛^{۳۳} در فعالیت‌های عمرانی و به‌ویژه شهرسازی، مثلاً در ساخت شهرهای بغداد و سامرا در عصر عباسی، شمار

۲۹. «رساله سلیمانیان و سرتراشان»، ۲۴۴؛ فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه، ۲۲۵، ۲۲۸؛ «فتوت‌نامه آهنگران»،

۵۶-۵۵؛ شیخلی، ۱۸۵؛ فرخی، ۴۶۷.

۳۰. طبری، ۵۳۸/۷؛ عریب‌بن سعد قرطبی، ۱۱/۲۷۰؛ خطیب بغدادی، ۴/۵۸۶؛ ۱۳/۳۰؛ ۱۴/۱۳۰؛ ایشیپی،

۳۰۰/۱.

۳۱. ابن انباری، ۱/۳۹۱-۳۹۲؛ ابن‌اثیر، النهاية فی غریب الاثر، ۳۵۳/۱؛ میدانی، ۱/۱۴۳.

۳۲. صابی، ۲۲.

۳۳. میرزا سمیعا، ۲۱.

بزرگی از آهنگران را فرامی‌خواندند و در صورت کمبود، از زندانیان و اسرایبی که آهنگری می‌دانستند نیز استفاده می‌کردند؛^{۳۴} در اردوی هر سپاه نیز، در جمله اصناف مختلف، تعداد زیادی آهنگر در خدمت بودند که کار تولید و تعمیر سلاح‌ها و دیگر ابزارها و ادوات لازم برای اردوکنشی را بر عهده داشتند؛ در کارهای مهندسی رزمی از جمله ساختن پل‌ها و معابر، موانع و استحکامات و به‌ویژه ادوات قلعه‌گیری فعال بودند و در صورت پیروزی نیز اسیران را زنجیر می‌کردند.^{۳۵} برخی دولت‌مردان خیر نیز گاه در فعالیت‌های وقفی یا خیریه خود از آهنگران استفاده می‌کردند، مثلاً گفته‌اند که بدرین حسنویه، از بزرگان ملوک دینور و همدان در سده چهارم، در جزو صدقاتش، سالانه مبلغی قابل توجه به آهنگران می‌داد که نعل مرکب‌های مسافران و در راه ماندگان مسیر همدان - بغداد را تعمیر کنند.^{۳۶}

ادوات و ابزارها و دکان آهنگری

در دکان آهنگری که در واقع دکان - کارگاه بود ادوات و ابزارهای آهنگری، چون انواع پتک‌ها و چکش‌ها، انبرها، گیره‌های آتشکاری، سنبه‌ها، قیچی‌ها، قلم‌ها و قالب‌ها، کوره، دمه^{۳۷} و سندان، مهم‌ترین ملزومات دکان بودند.^{۳۸} آهنگران دوره گرد، کوره را در زمین حفر می‌کردند، ولی در کارگاه‌های آهنگری کوره فضایی بود که در داخل یکی از دیوارهای کارگاه با ارتفاع حدود یک متر از سطح زمین به صورت تنوری مستطیل شکل ساخته می‌شد و آهنگر، قطعه آهنی را درون آن تفته می‌کرد و سپس آهن نرم شده را برای شکل دادن بدان بر سندان می‌نهاد که در کف دکان تعبیه شده بود؛ سوخت کوره معمولاً از زغال، چوب یا

۳۴. یعقوبی، ۲۵۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ۷۴/۸؛ حمیری، ۳۰۱.

۳۵. طبری، ۷۵/۹؛ مسکویه، ۲۴۰/۴؛ ابن کثیر، ۲۰۰، ۳۲۰/۱۴.

۳۶. ابن کثیر، ۳۵۴/۱۱.

۳۷. دمه: آلت دمیدن، دم آهنگری (معین، فرهنگ فارسی؛ دهخدا، لغت‌نامه).

۳۸. جوادعلی، ۵۵۹-۵۶۰؛ عمری، ۲۷۲؛ جمال، ۱۸۷.

زغال سنگ تأمین می‌شد؛ هوای لازم برای شعله‌ور نگه داشتن زغال را با انواع دمه‌های دستی یا پایی مشک مانند ساخته شده از چرم به داخل کوره می‌دمیدند؛ دمیدن را معمولاً شاگردی نوجوان و گاه پسر بچه‌ای کم سن و سال انجام می‌داد؛ شاگرد قوی‌بنیه و آموزش‌دیده دیگری که وردست اصلی استاد بود، پتک‌کاری را بر عهده داشت و هنگامی که استاد، قطعه آهنی تفته را با انبر از کوره بیرون می‌آورد و روی سندان نگاه می‌داشت، این شاگرد ضربه‌های لازم را بر قطعه فرود می‌آورد و استاد با کمک این ضربه‌ها و نیز ضربه‌هایی که خود با چکش به آن می‌زد به آهن تفته شکل می‌داد.^{۳۹}

آهنگران علاوه بر مهارت و خلاقیت در شکل دادن به آهن، به اندامی ورزیده و عضلات و بنیه‌ای قوی نیاز داشتند؛ پیوسته در کنار کوره‌ای پر حرارت و در فضایی پر از دود و سر و صدا بودن، کاری سخت و طاقت‌فرسا بود و تحمل بسیار می‌خواست؛ بسیاری از آهنگران بعد از نماز صبح به کارگاه می‌رفتند و تا ساعاتی بعد از طلوع خورشید تا زمانی که گرمای هوا تحمل‌ناپذیر می‌شد، و هم‌چنین ساعاتی از بعد از ظهر تا اذان مغرب کار می‌کردند؛ استاد آهنگر گاه در حین کار آوازی زمزمه می‌کرد و شاگردش نیز با او همراه می‌شد و ضربه‌هایی که استاد و شاگرد باید به طور متناوب بر قطعه آهنی وارد می‌آوردند، با ضرباهنگ این آوازا تنظیم می‌گردید. آهنگران اغلب در فصول گرم سال با بالا تته‌ای برهنه کار می‌کردند و قطعه‌ای چرمین در پیش سینه خود به کمر می‌بستند که از جرقه‌های سوزان آهن در امان باشند.^{۴۰} شاگرد نوجوان که معمولاً پسر خود استاد آهنگر و وارث آینده شغل و دکان پدر بود، در اوایل کارآموزی‌اش دکان را تمیز می‌کرد، خاکستر را از کوره خارج می‌ساخت و زغال تازه به کوره می‌ریخت و آن‌گاه که بزرگ‌تر می‌شد عهده‌دار دمیدن می‌شد

۳۹. شهری‌باف، طهران قدیم، ۲/ ۳۱۴-۳۱۵؛ جمال، ۱۸۶-۱۸۸؛ در برخی دکان‌های آهنگری علاوه بر این سه تن، کارگران دیگری هم بودند از جمله یک وردست برای پتک زدن و یک نفر برای تفته کردن آهن در کوره (خسروی، ۶۶).

۴۰. دالمانی، ۲/ ۲۴۸، ۵۶۹؛ جمال، ۱۸۷، ۱۸۹-۱۹۰؛ شهری‌باف، طهران قدیم، ۲/ ۳۱۴-۳۱۷.

تا سال‌ها بعد که پتک‌کار/پتک‌زن می‌شد و سرانجام به استادی می‌رسید.^{۴۱} این شیوه معمول و متداولی بوده که قرن‌ها تداوم داشته است،^{۴۲} اما امروزه آهنگرانی که به روش فرنگی بیشتر با ریخته‌گری کار می‌کنند، از برق و قالب بهره می‌برند و چندان به زور بازو احتیاج ندارند، با این حال آهنگران سنتی هم‌چنان در مقیاسی کوچک‌تر فعالند و با تغییراتی اندک، هنوز به همان شیوه‌های کهن کار می‌کنند.^{۴۳}

پراکندگی جغرافیایی

وابستگی عام به کار آهنگران موجب شده بود که تقریباً در همه شهرها و روستاها دکان‌های آهنگری دایر و دست‌کم گروه‌هایی از آهنگران دوره‌گرد برای ساخت لوازم مورد نیاز، همواره در دسترس باشند؛ از بازارها و راسته‌های آهنگران، در سراسر جهان اسلام در دوره‌های مختلف گزارش‌های بسیاری هست، از جمله در مکه،^{۴۴} بغداد،^{۴۵} واسط،^{۴۶} دمشق،^{۴۷} قاهره،^{۴۸} صقلیه،^{۴۹} استانبول،^{۵۰} شیراز،^{۵۱} تهران^{۵۲} سبزوار^{۵۳} و... این بازارها اغلب در درون شهرها مستقر بودند؛ ولی در برخی مناطق، به‌ویژه در ادوار متأخرتر، دکان‌های آهنگری

۴۱. جمال، ۱۸۷، ۱۹۰؛ شهری‌باف، طهران قدیم، ۳۱۵/۲.

۴۲. برای توصیفی از چگونگی کار آهنگری در قرن دهم و یازدهم در ایران نک. فرخی، ۴۷۶-۴۷۷؛ محبی، ۳۰۱.

۴۳. خسروی، ۵۶-۶۶؛ کتال، ۱۲۴.

۴۴. ازرقی، ۲۳۹/۲، ۲۶۵.

۴۵. نک. طبری، ۳۵۸/۹؛ کیسی، ۱۶۸؛ جمیلی، ۴۹.

۴۶. یاقوت، ۸۸۵/۴.

۴۷. ابن‌عساکر، ۲۸۹/۶۷؛ ابن‌طولون، ۱۵۶/۱، ۳۷۱؛ شهابی، ۴۹۴.

۴۸. مقریزی، ۲۴۵/۲؛ ریمون، ۵۴۶/۱-۵۴۷.

۴۹. ابن‌حوقل، ۱۱۹/۱، ۱۲۲.

50. Mübahat kütükoğlu, 1/679.

51. Wulff, 50.

۵۲. شهری‌باف، ۱۳۸۱، ۳۱۴/۲-۳۱۷.

۵۳. دالمانی، ۲۴۸/۲.

بیشتر در اطراف شهرها استقرار می‌یافت^{۵۴} و گاه اصناف مختلف آهنگران یا گروه عمده‌ای از آنان در یک بازار مستقر بودند یا در بازار اصناف هم رده هم‌چون مسگرها فعالیت می‌کردند.^{۵۵}

اخلاق حرفه‌ای

سختی و خشونت کار آهنگری، آهنگران را دست‌کم در دید بسیاری از ناظران، افرادی خشن و تندخو جلوه می‌داد؛ و برخلاف اصنافی چون زرگران که مشتریان‌شان اغلب زنان بودند و با طبقات به نسبت بالادست جامعه سروکار داشتند و در نتیجه خوش‌خویی لازمه اخلاق حرفه‌ای‌شان بود، آهنگران با کارگران و کشاورزان و نظامیان سروکار داشتند و ظاهراً برخورد تندشان با مشتریان پدیده‌ای شایع بود.^{۵۶} شیوه لباس آهنگران^{۵۷} و سروصدای شدید دکان‌های آهنگری و نیز جرقه‌هایی که در اثر کار آنها به بیرون از دکان می‌جهید و گاه بر قبا و عبا و چادر رهگذران می‌افتاد، چه بسا که موجب بروز مرافعه‌هایی می‌شد، هم‌چنین معروف بود که با آهنگر جماعت نمی‌توان در تجارت و کار شریک شد و گمان آن بود که اخلاق کارکنان این صنف، شراکت را بر نمی‌تابد.^{۵۸}

نظارت بر آهنگران

از آنجا که دستگاه‌های حکومتی نیز، چون مردم‌عادی، تقریباً به همه تولیدات ریز و درشت آهنگران نیازمند بودند، احتمالاً نظارت بر کار آهنگران نیز با دقت بیشتری همراه بوده است؛

۵۴. ریمون، ۵۴۶/۱-۵۴۷.

۵۵. تحویلدار، ۹۵؛ طوخی، ۲۰۰۹: ۷۲.

۵۶. «فتوت‌نامه آهنگران»، ۵۸؛ فرخی، ۴۷۳، ۴۷۹-۴۸۰.

۵۷. ابن‌اثیر، النهایه فی غریب الاثر، ۳۵۳۸.

۵۸. شهری‌باف، همان، طهران قدیم، ۳۱۷/۲؛ درباره نگرش‌ها و وصف‌هایی که در ادب فارسی در باب حرفه

آهنگری آمده، نک. گلچین معانی، ۱۳۲-۱۳۳، ۴۷۰-۴۷۳.

محتسبان وظیفه داشتند مراقب باشند که آهنگران، کارد و قیچی و انبر و تیغ اصلاح صورت و جز اینها را از نرماهن/ آهن نرم و نامرغوب نسازند و میخ‌های مستعمل از نوصاف شده را به جای میخ‌های تازه ساخته شده یا آمیخته با آنها به مشتریان نفروشدند.^{۵۹} مأموران نظارتی، وزنه‌های ترازوها را که آهنگران برای دکانداران می‌ساختند به دقت بررسی می‌کردند و با توزین و مهرکردن، استاندارد بودن آنها را تأیید می‌کردند.^{۶۰} دکان آهنگری از جمله دکان‌هایی بود که در جریان آتش‌سوزی‌های بازارها اغلب به عنوان منشأ اولیه آتش‌سوزی شناخته می‌شد و وقوع این حوادث در بازارها و راسته‌های آهنگران و همسایه‌های‌شان رخدادی پربسامد بود؛^{۶۱} از این رو محتسبان بر آن بودند که ترتیبی اتخاذ کنند تا دکان‌های آهنگری، چون دکان‌های آشپزی و نانویی، از دکان‌های آسیب‌پذیری، چون عطاری و بزازی، دور باشند.^{۶۲}

درآمد

درباره میزان درآمد و وضع معیشت آهنگران، مانند اغلب اصناف دیگر، اطلاعات موجود بسیار اندک و نارساست. در ظاهر به نظر می‌رسد که با وجود تنوع وسیع در تولیدات و نیاز همه گروه‌های جامعه به محصولات آهنگران، اعضای این صنف باید درآمد قابل توجهی داشته باشند، اما این نیاز وسیع در درجه اول موجب می‌شد که شمار اعضای این صنف افزایش یابد و پرشمار بودن آهنگران،^{۶۳} عملاً به معنای سرشکن شدن درآمد در میان گروهی

۵۹. شیزری، ۷۹؛ ابن اخوه، ۱۹۷۶، ۲۳۲.

۶۰. جمال، ۱۸۸.

۶۱. عرب‌بن سعد قرطبی، ۲۹۶/۱۱؛ ذهبی، ۱۴۱۴، ۲۶/۲۶-۴۷۱-۴۷۲.

۶۲. شیزری، ۱۱-۱۲؛ برای نمونه‌هایی از استفتائاتی در باب ضررهایی که از کارگاه آهنگری به همسایگان وارد می‌آمد نک. Ozcan, 329-330.

۶۳. مثلاً ۱۶ صنف از آهنگران با بیش از ۲۰۰۰ عضو در قاهره در گزارش اولیا چلبی ۲۰۰۶، ۱/ ۴۷۷-۴۷۸؛ ریمون، ۲۰۰۵، ۵۴۶/۱.

بزرگ و در نتیجه، کاهش میزان درآمد سرانه آهنگران بوده است. البته آهنگران در تمام ایام سال کار داشتند، با این حال کار آنان نیز هم چون بسیاری از مشاغل در برخی فصول، مثلا در فصل کشاورزی یا فصل آمادگی برای سفرهای دریایی و غواصی و کشتی سازی در مناطق ساحلی^{۶۴} یا آمادگی برای شروع جنگی بزرگ یا در زمان های رونق ساخت و سازهای شهری و حکومتی،^{۶۵} رونق بیشتری می گرفت؛ هرچند بنا بر شواهدی که کهن^{۶۶} از قدرت خرید برخی آهنگران در اورشلیم عصر عثمانی در سده هجدهم به دست داده ظاهرا آهنگران آن شهر، از درآمد قابل ملاحظه ای برخوردار بوده اند؛ در مجموع آهنگران از لحاظ درآمد در رتبه های پایین قرار داشتند و وضعشان مثلا با مسگران قابل مقایسه نبود.^{۶۷} در برخی از مناطق، آهنگرانی که برای کشاورزان ابزار می ساختند، سالانه با آنان قرارداد می بستند و در پایان سال، مزدشان را بر مبنای مساحت زمین کشاورزی طرف قرارداد، به جای وجه نقد، گندم و جو و غلات دیگر و کاه و علوفه دریافت می کردند.^{۶۸}

جایگاه اجتماعی آهنگران

به نظر می رسد تفاوت ها در اطلاعات راجع به میزان درآمد آهنگران، صرفا به نظام شغلی و تولیدات شان وابسته نبوده و مثلا وابستگی قومی و قبیله ای آنها نیز در میزان برخورداری های اقتصادی شان نقش داشته است؛ از این روی، اختلاف نظر درباره شرافت یا برعکس، فرودستی صنف آهنگر در منابع، احتمالا بیشتر به وابستگی های قومی و نژادی آنها مربوط

۶۴. جمال، ۱۸۹.

۶۵. خسروی، ۶۲.

66. Cohen, 114-115.

۶۷. ریمون، همانجا؛ هولتسر، ۲۹ در گزارشی از نیمه دوم قرن سیزدهم/ نوزدهم درباره اصفهان گفته که صنف آهنگر هم چون صنف میخ ساز، بنجار و سراج از پرداخت مالیات، معاف بوده است؛ برای نمونه ای از دستمزدهای کارگران دکان آهنگری در تهران نیمه قرن چهاردهم، نک. خسروی، ۶۶.

۶۸. صنفی نژاد، ۱۴۴؛ همایونی، ۲۴۸-۲۴۹؛ Cohen, 114.

بوده است، مثلاً از یک سو، عرب جاهلی عموماً مشاغل یدی و از جمله آهنگری را پست می‌انگاشت^{۶۹} و ظاهراً منسوب داشتن فردی به شغل آهنگری، در نظر اعراب نوعی تحقیر زبانی محسوب می‌شد.^{۷۰} در شبه جزیره در عصر جاهلی و در صدر اسلام، بیشتر آهنگران از بردگان و موالی^{۷۱} یا از کسانی بودند که اصالت عربی نداشتند هم‌چون یهودیان؛ یهودیان حجاز به‌ویژه ساکنان خیبر بر اثر عدم اعتنای اعراب به آهنگری، امکان یافتند که تولید و فروش انواع محصولات آهنی و فولادی مورد نیاز آنان از جمله سلاح‌ها و ادوات کشاورزی را تقریباً به انحصار خود درآورند و علاوه بر کسب ثروت بسیار، اعراب را در زمینه تجهیزات جنگی، به شدت به خود وابسته سازند.^{۷۲} این در حالی است که در برخی منابع، مبدأ آهنگری نزد عرب را به هالک‌بن عمرو بن اسدبن خزیمه از عرب رسانده‌اند^{۷۳} و ولیدبن مغیره و عاص‌بن هشام، برادر ابوجهل، را از آهنگران حجاز دانسته‌اند.^{۷۴} این گزارش‌ها با قول پست‌انگاشتن حرفه آهنگری در نزد عرب صدر اسلام چندان مناسبتی ندارد و ظاهراً از همین جهت ابن‌قتیبه^{۷۵} و ابن‌رسته،^{۷۶} آهنگری را در جمله صناعات اشراف آورده‌اند. از آهنگرانی که در زمره صحابه پیامبر بودند، از جمله یکی خَبَّاب بن آرْت بود که برای عاص بن وائل آهنگری می‌کرد و دیگری ابوسیف قَین که همسرش دایه ابراهیم پسر پیامبر اکرم

۶۹. جوادعلی، ۵۵۷/۷؛ د. اسلام، ذیل «Kayn».

۷۰. ابوالفرج اصفهانی، ۸/۶۱، ۸۶؛ راغب اصفهانی، ۲/۱۹۵؛ د. اسلام، همانجا.

۷۱. مثلاً ازرق‌بن عقبه، غلام رومی حارث‌بن کلدۀ ثقفی (بلاذری، انساب الاشراف، ۱/۱۵۷، ۴۹۰، همو، فتوح البلدان، ۶۳؛ ابن‌حجر، ۱/۲۹)؛ و ابولؤلؤ غلام مغیره (ابن‌سعد، ۳/۳۲۰، طبری، ۴/۱۹۱).

۷۲. جواد علی، همانجا؛ عمری، ۲۶۹-۲۷۰.

۷۳. جاحظ، ۲۴۱؛ و پانویس ش ۲، جوادعلی، ۵۵۶/۷.

۷۴. ابن‌قتیبه، ۳۱۹؛ بیهقی، ۱/۱۶۴؛ ابن‌رسته، ۲۱۵؛ برای شمار دیگری از اشراف عرب که آنها را از آهنگران دانسته‌اند، همانجاها.

۷۵. همانجا.

۷۶. ۲۱۴-۲۱۵.

بود.^{۷۷} عمری^{۷۸} گفته است که پیامبر با انتخاب زن یک آهنگر برای دایگی فرزندش می‌خواسته نظر تحقیرآمیز عرب را به پیشه آهنگری اصلاح کند؛ در حدیثی^{۷۹} نیز از قول ایشان آمده است که قَیْنُ را خواری پیشه‌اش زیانی نمی‌رساند اگر عادل باشد؛ قین در صدر اسلام به آهنگر اطلاق می‌شده است.^{۸۰} در ادوار بعد نیز شماری از معاریف علما و محدثان به حرفه آهنگری منسوب بوده‌اند.^{۸۱} در عین حال، ذمیانی که در سرزمین‌های اسلامی به آهنگری اشتغال داشتند نیز فراوان بودند.^{۸۲} تأکید مکرر برخی نویسندگان سنی^{۸۳} در این‌که پدر عبیدالله مهدی، بنیان‌گذار خلافت شیعی فاطمی یا خود وی، آهنگرانی یهودی بوده‌اند، ظاهراً مبتنی بر ذهنیت سنتی عربی است که هم یهودیان و هم آهنگران را خوار می‌داشتند؛ در مصر بسیاری از قبطیان مسیحی به پیشه‌وری از جمله آهنگری اشتغال داشتند.^{۸۴} در اورشلیم عصر عثمانی نیز بسیاری از اعضای صنف آهنگران مسیحی بودند و ریاست این صنف نیز در قرون هفدهم و هجدهم اغلب در اختیار مسیحیان بوده است.^{۸۵}

عامل دیگری که به‌روشنی در فرودست انگاشتن آهنگران، از اعصار بسیار قدیم تاکنون مؤثر بوده، اختصاص بخش بزرگی از فعالیت‌های آهنگری، به‌ویژه در مناطق روستایی، به

۷۷. بلاذری، انساب الاشراف، ۱/ ۱۷۶؛ ابن عبد البر، ۴/ ۹۸؛ ابن اثیر، اسدالغابة، ۲/ ۱۴۸؛ ابن حجر، ۳/ ۴۰۱؛ ۹۸/۴؛ عمری، ۲۶۹-۲۷۱.

۷۸. ۲۶۹، ۱۹۸۵.

۷۹. نک. کتانی، ۲/ ۷۴.

۸۰. جوادعلی، ۷/ ۵۵۴-۵۵۵.

۸۱. فسوی، ۲/ ۳۹۵؛ طوسی، ۱۶۶، ۳۳۷؛ ابن‌عساکر، ۴۱/ ۴۵۷؛ ابن جوزی، ۱۸/ ۱۰۰؛ سمعانی؛ انساب، ۱۸۱/۲-۱۸۳؛ ذهبی، ۱۰/ ۳۶۷، ۲۰/ ۱۴۲.

۸۲. درباره آهنگران یهودی در شهرهای مختلف مراکش در قرن دهم، نک. حسن وزان، ۱/ ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۴۰؛ ۱۵۳/۱-۱۵۴، گفته که در شهر مَآنة بئر در دُکالة مراکش، به جز آهنگران یهودی صنعتگر دیگری نیست.

۸۳. ابن کثیر، ۱۲/ ۲۶۷-۲۶۸؛ ذهبی، ۳۹/ ۲۷۵؛ ابن تغری بردی، ۴/ ۷۵.

۸۴. مغاوری محمد، ۱/ ۳۴۶-۳۴۷؛ جیرار، ۱/ ۲۱۶؛ ریمون، ۱/ ۵۴۶.

کولیان بوده که اغلب به صورت دوره‌گردی کار می‌کردند.^{۸۶} این افراد نه تنها در نزد شهریان، جزو شهروندان عادی محسوب نمی‌شدند بلکه حتی نزد قبایل بدوی عرب نیز به عنوان اعضای قبیله لحاظ نمی‌شدند و با آنان ازدواجی صورت نمی‌گرفت.^{۸۷} این گروه‌های کولی که در ایران، غرشمال/غربتی/ غریب شمار نامیده می‌شدند، به صورت گروهی به روستاها یا محل استقرار ایلات می‌رفتند و علاوه بر آهنگری، به شعبده‌بازی، رقاصی و معرکه‌گیری می‌پرداختند؛ زنان‌شان نیز با اصرار و سماجت محصولات آهنی تولیدی مردان‌شان را به خانوارها می‌فروختند و فال‌گیری و حجامی نیز می‌کردند.^{۸۸}

نتیجه

با اطلاعات نسبتاً قابل ملاحظه‌ای که از ابعاد مختلف زندگی حرفه‌ای صنف آهنگران در سرزمین‌های مختلف اسلامی، در دست است می‌توان به الگویی از مفهوم آهنگر بودن در ساختار و بافتار جوامع اسلامی دست یافت. در این مطالعه که بر اساس مدل الگویاب در مطالعات تاریخ اجتماعی و با رهیافت توصیف غلیظ صورت گرفته و در آن انبوهی از شواهد و مستندات در طیف وسیعی از منابع و مآخذ بررسی شده است، الگوی جهان اسلامی شغل آهنگری بازشناسی و استخراج و بازسازی شده است چنان‌که می‌توان بر اساس این مطالعه یک آهنگر مسلمان یا غیر مسلمان را در ساختار جامعه اسلامی در هر یک از مقاطع تاریخی دوران ماقبل مدرن بازآفرید.

الگوی مشخص و حتی الامکان عینی آهنگر بودن در جهان سنتی اسلام نشان می‌دهد که هر چند همه مردم در قشرها و طبقات مختلف، و در مشاغل و جایگاه‌های متفاوت، در بیشتر مواضع زندگی روزانه یا در شرایط خاص مثل جنگ‌ها، به محصولات و خدمات

۸۶. ادیب الممالک، ۶۷۵؛ Wulff, 49.

۸۷. EI2, s. v. "Kayn", (by: J. Chelhod); طاهری، ۱۵۱.

۸۸. زنگویی، ۴۵.

آهنگران نیازمند بوده‌اند، ولی با توجه به کثرت مشتغلان به این حرفه در جهان اسلام، این شغل هیچ‌گاه از درآمد مالی بالایی برخوردار نبوده و در میان اصناف مشابه حتی نمی‌توان پایگاه درآمدی آهنگران را با صنفی چون مسگران مقایسه کرد؛ از سوی دیگر این سنت که اغلب شاغلان به آهنگری از طبقات یا گروه‌های نژادی و قومی و قبیله‌ای فرودست بوده‌اند باعث شده بود که نگرش اجتماعی به این شغل هم با وجود برخی تلاش‌های جزئی یا با وجود برخی استثناها در میان معاریفی که به این حرفه اشتغال داشته‌اند، چندان خوشایند نباشد و بازتولید مفهوم فرودستی در این شغل همواره در بازه‌ای بسیار طولانی در تاریخ اجتماعی مسلمانان، استمرار یابد.

کتابشناسی

- ابشیهی، شهاب‌الدین محمد، المستطرف فی کل فن مستظرف، مفید محمد قمیحه، بیروت، افست قم، ۱۴۰۶/هـ/۱۹۸۶م.
- ابن طقطقی، الفخری فی الآداب السلطانية و الدول الاسلامیة، محمود توفیق کتبی، مصر، ۱۳۴۰هـ.
- ابن‌اثیر، مبارک‌بن محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنحی، قاهرة، ۱۳۸۳/هـ/۱۹۶۳م.
- ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، علی محمد معوض و دیگران، بیروت.
- ابن‌اخوة، معالم القربة فی احکام الحسبة، محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی مطیعی، قاهرة، ۱۹۷۶م.
- ابن‌انباری، ابوبکر محمد بن قاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، حاتم صالح ضامن، بغداد، ۱۳۹۹/هـ/۱۹۷۹م.
- ابن‌بلخی، فارس‌نامه، لسترنج و نیکلسون، تهران، ۱۳۶۳ش.
- ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهرة، ۱۳۸۳/هـ/۱۹۶۳م.
- ابن‌جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، محمد و مصطفی عبدالقادر عطا و نعیم زرزور، بیروت، ۱۴۱۲/هـ/۱۹۹۲م.

- ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمييز الصحابة، عادل احمد عبدالموجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م.
- ابن حوقل، صورة الارض، کرامرس، لیدن، ۱۹۶۷م.
- ابن رسته، الاعلاق النفیسة، دخویه، لیدن، ۱۸۹۲م.
- ابن سعد، الطبقات الکبری، علی محمد عمر، بیروت، ۱۴۰۵هـ/۱۹۸۵م.
- ابن طولون، شمس الدین محمد، مفاکهة الخلان فی حوادث الزمان [تاریخ مصر والشام]، محمد مصطفی، قاهرة، ۱۳۸۱هـ/۱۹۶۲م.
- ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، فی حاشیة ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵هـ.
- ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، چاپ علی شیری، بیروت، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۶م.
- ابن قتیبة، المعارف، بیروت، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.
- ابن کثیر، البدایة و النهایة، بیروت، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۰م.
- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، قاهره، ۱۳۸۳هـ.
- ابویوسف یعقوب فسوی/ بسوی، المعرفة و التاریخ، اکرم ضیاء عمری، بغداد، ۱۹۷۵م.
- ادیب الممالک، «جماعت کولی در انگلستان»، ارمغان، س ۱۶، ش ۹، آذر، ۱۳۱۴ش.
- ازرقی، ابولید، اخبار مکه و ماجاء فیہ من الآثار، رشدی صالح ملحس، بیروت، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م.
- اصطخری، مسالک، لیدن، ۱۹۶۷م.
- اولیاء چلبی، الرحلة الی مصر و السودان و الحبشة، ترجمه حسین معیوب مصری و دیگران، محمد حرب، قاهرة، ۲۰۰۶م.
- بلاذری، فتوح البلدان، عبدالله انیس طباع، بیروت، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.
- همو، انساب الاشراف، محمد حمیدالله، مصر، ۱۹۵۹م.
- بناء، عبدالحافظ عبدالخالق، اسواق الشام فی عصر الحروب الصلیبیة فی الفرہ من ۵۹۵ / ۶۸۷ - ۱۰۹۹م.
- ۱۲۹۱م، بیروت، ۲۰۰۷م.
- بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهرة، ۱۳۸۰هـ/۱۹۶۱م.
- تحویلدار، میرزا حسین، جغرافیای اصفهان، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر، منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۲ش.
- جاحظ، البرصان و العرجان و العمیان و الحولان، عبدالسلام محمد هارون، بیروت، ۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م.

- جمال، محمد عبدالهادی، الحرف و المهن و الانشطة التجارية القديمة في الكويت، كويت، ۲۰۰۳ م.
- جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، ۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۳ م.
- جیرار، ب.س. وصف مصر، موسوعة الحياة الاقتصادية في القرن الثامن عشر، الجزء الاول، الزراعة، الصناعات و الحرف و التجارية، ترجمه زهير شايب، مصر، ۱۹۸۰ م.
- حمیری، عبدالمنعم، الروض المعطار في خبر الاقطار، احسان عباس، بیروت، ۱۹۸۰ م.
- خسروی، خسرو، «آهنگری»، کاوش، دوره ۲، ش ۲، شماره مخصوص نوروز، ۱۳۴۲ ش.
- خطیب بغدادی، تاریخ مدینه السلام، بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۱ م.
- دالمانی، هانری رنه، از خراسان تا بختیاری، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- دهخدا، لغت نامه، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۴ م.
- راسم جمیلی، البغدادیون کتاب یصور الحیاة البغدادیة ایام زمان، بغداد، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
- راغب اصفهانی، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، ریاض عبدالحمید مراد، بیروت، ۲۰۰۴ م.
- رساله سلمانیان و سر تراشان، چهارده ساله در فتوت و اصناف، مهران افشاری و مهدی مدائنی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ریمون، اندریه، الحرفیون و التجار فی القاهرة فی القرن الثامن عشر، ترجمه ناصر احمد ابراهیم و باستی جمال الدین، قاهرة، ۲۰۰۵ م.
- زکریای قزوینی، آثار البلاد و اخبار البلاد، بیروت.
- زنگویی، حسین، «نگاهی به پیشه‌های سنتی بیرجند»، خراسان پژوهی، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۷۷ ش.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، انساب، عبدالله عمر بارودی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی، مجمع الانساب، میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- شهری باف، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی، کسب کار، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- همو، طهران قدیم، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- شیخلی صباح ابراهیم سعید، الاصناف فی العصر العباسی بحث فی التنظيمات الحرفیة فی المجتمع العربی الاسلامی، بغداد، ۱۹۷۶ م.
- شیزری، عبدالرحمن بن نصر، نهاية الرتبة فی طلب الحسبة، بازعینی، بیروت، ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م.

- صابی، هلال بن محسن الوزراء، عبدالستار احمد فراج، قاهرة، ۱۹۵۸م.
- صفی نژاد، جواد، طالب آباد، نمونه جامعی از بررسی یک ده، تهران، ۱۳۵۵ش.
- طاهری، عطا، کوچ کوچ، تجربه نیم قرن زندگی در کهکیلویه و بویراحمد، تهران، ۱۳۸۸ش.
- طبری، تاریخ الامم و الملوک، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۹۶۲-۱۹۶۷م.
- طعمة، سلمان هادی، كربلاء فی الذاکرة، بغداد، ۱۹۸۸م.
- طوخی، نبیل سید، طوائف الحرف فی مدینة القاهرة فی الصنف الثاني من القرن التاسع عشر، ۱۸۴۱-۱۸۹۰، قاهرة، ۲۰۰۹م.
- طوسی، الفهرست، محمود رامیار، مشهد، افست از روی چاپ اسپرنگر، ۱۳۵۱ش.
- عرب بن سعد قرطبی، صلة تاریخ الطبری، ذیل طبری، تاریخ، (بیروت)، بی تا.
- عمری، عبدالعزیز بن ابراهیم، الحرف و الصناعات فی الحجاز فی عصر الرسول، قطر، ۱۹۸۵م.
- «فتوت نامه آهنگران»، چاپ ایرج افشار، فرخنده پیام، مجموعه مقالات تحقیقی، یادگار نامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی، مشهد، ۱۳۵۹ش.
- فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، مهران افشاری، تهران، ۱۳۸۲ش.
- فرین، مایلز، تاریخ اجتماعی؛ مسائل، راهبردها و روشها، ترجمه ابراهیم موسی پور بشلی و محمد ابراهیم باسط، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴ش.
- فرخی، یزدان، «بر آن بی بها چرم آهنگران، (پژوهشی در جایگاه اجتماعی آهنگران)»، مزدک نامه (یادبود اولین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیانفر)، جمشید کیانفر و پروین استخری، تهران، ۱۳۸۷ش.
- قتیبه شهابی، اسواق دمشق القديمة و مشیداتها التاريخية، دمشق، ۱۹۹۰م.
- کیسی، حمدان عبدالمجید، اسواق بغداد حتی بداية العصر البويهی، ۱۴۵-۳۳۴هـ / ۷۶۳-۹۴۵م؛ بغداد، ۱۹۷۹م.
- کتانی، عبدالحی، التراتیب الاداریة، بیروت، بی تا.
- کریمی، اصغر، سفرنامه دشت کویر، از معدن های شدادی تا قنات های وقفی و وقف نامه های گناباد، تهران، ۱۳۸۹ش.
- گزارش های نظمیة از محلات طهران، راپورت وقایع مختلفة محلات دارالخلافة، انسیه شیخ رضایی و شهلا آذری، تهران، ۱۳۷۷ش.
- گلچین معانی، احمد، شهر آشوب در شعر فارسی، پرویز گلچین معافی، تهران، ۱۳۸۰ش.

- محبی، پرویز، فنون و منابع در ایران، مقدمه‌ای بر تاریخ تکنولوژی و کاربرد مواد در ایران از قرن اول تا سیزدهم هجری، ترجمه آرام قریب، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- مسکویه، احمد بن محمد، تجارب الامم، ابوالقاسم امامی، تهران، ۱۳۷۶-۱۳۸۰ ش.
- مغاوری محمد، سعید، الالقاب و اسماء الحرف و الوظائف فی ضوء البرديات العربية، القاهرة، ۲۰۰۰-۲۰۰۲ م.
- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، دخویه، لیدن، ۱۹۶۷ م.
- مقریزی، خطط، ایمن فواد سید، لندن، ۲۰۰۲-۲۰۰۴ م.
- مهاکیال، مروثات حرفیه (دراسة مونوغرافية احصائية الحرف التقليدية فی صیدا و الجوار)، طرابلس، ۲۰۰۳ م.
- موسی‌پور، ابراهیم، «زندگی حرفه‌ای گازران در تاریخ اجتماعی اسلام»، انسان شناسی، سال نهم، ش ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- همو، «زندگی حرفه‌ای موزنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان: پژوهشی در تاریخ اجتماعی اسلام»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، سال ۴۳، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- میدانی، ابوالفضل، مجمع الامثال، مشهد، ۱۳۶۶ ش.
- میرزا سمیعا، تذکرة الملوك، محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- نعیمی دمشقی، الدرر فی تاریخ المدارس، جعفر حسنی، ۱۹۸۸ م.
- همایونی، صادق، فرهنگ مردم سرستان، مشهد، ۱۳۷۱ ش.
- هولتسر، ارنست، ایران در یکصد و سیزده سال پیش، با شرح و تصویر، بخش نخست: اصفهان، ترجمه محمد عاصمی، تهران، ۱۳۵۵ ش.
- وزان، حسن، وصف افریقا، ترجمه محمد حجی و محمد اخضر، بیروت، ۱۹۸۳ م.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، جلد اول، مشرق زمین گاهواره تمدن، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، فردیناند ووستنفلد، لایپزیک، ۱۸۶۶-۱۸۷۳ م.
- یعقوبی، البلدان، لیدن، ۱۹۸۲ م.
- Chardin, Jean, *Voyages Du Chevalier Chardin En Perse*, Perse, Paris, 1811.
- Chelhod, J., *EF²*, "Kayn".
- Cohen, Amnon, *The Guilds of Ottoman Jerusalem*, Leiden, 2001.

Hans E. Wulff, *The Traditional crafts of Persia, their Developut, technology, and Influence an Eastern and western civilization*, Cambridge, Massachusetts- London, 1976.

Mübahat kütükoğlu, “the Structure of the Ottoman Economy”, *History of the Ottoman state, Society and Civilisation*, ed. By: ekmeleddin Ihsanoğlu, Istanbul, 2001.

Pigott, *EF²*, s. v., “Kayn”, by: J. Chelhod, *IR*, s. v. Āhan, by: v. c. Tahsin Özcan, *Fetvalar Isiginda Osmanli Esnafı*, Istanbul, 2003.